

عنوان مقاله: تحلیل جامعه شناختی تهاجم فرهنگی

نویسنده: حسین بنی فاطمه

منبع: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز ۱۳۷۹ شماره ۱۷۴

صص ۳۶-۵۸

چکیده



• در این مقاله سعی کرده ایم تهاجم فرهنگی را به طور جامعه شناختی بررسی کرده ریشه و اساس آن را بشناسیم. تهاجم فرهنگی غرب از یک تفکر سلطه جویانه و انحصار طلبانه نشات گرفته است که غرب را محور تمدن بشری و دیگران را جیره خواران آن تلقی می کند. این تفکر با پیشرفت تکنولوژی های مدرن به ویژه در بخش ارتباطات، جلوه گسترده و جهانی به خود گرفته چهره دیگری از سلطه امپریالیسم فرهنگی به شمار می رود.

**تفکر سلطه جویانه و انحصار
طلبانه**

چکیده

• امپریالیست های فرهنگی در تحقق اهداف خود یعنی نفوذ و سلطه فرهنگی به سه شیوه متوسل می شوند: شیوه تعلیمی، شیوه ارتباطی- خبری و شیوه تبلیغی. و برای هر یک از شیوه های مذکور ابزارها و شیوه هایی را به کار می گیرند که قابل انعطاف اند. در واقع امروزه، دیگر شیوه های نظامی، اقتصادی و سیاسی به اندازه شیوه های فرهنگی کارایی ندارد. شیوه هایی که قادرند در صورت موفقیت، از طریق روش بسیار زیرکانه ای راه سلطه سیاسی و اقتصادی و در صورت ضرورت، حتی سلطه نظامی را هموارتر سازند.

روش بسیار زیرکانه ای

• امپریالیست های فرهنگی امروز، به سبب پیشرفت در تکنولوژی مدرن و عقب نگه داشتن اقتصاد سایر ملل به خصوص کشورهای جهان سوم از طریق مبادله نابرابر، به جای حمله بر جان و خاک آنان حمله خود را بر فرهنگ آنان متمرکز نموده اند. زیرا معتقدند برای تسلط بر ملتی در درجه نخست باید فرهنگ آنان را از آنها گرفت. ضمن توجه به موارد مذکور و پرداختن به منشاء ویژگی ها و تاریخچه تهاجم فرهنگی سعی شده است. اثرهای تهاجم فرهنگی در زمینه های زیر نیز مورد بررسی قرار گیرد.



**مبادله
نابرابر**

- در قلمرو **اجتماعی** (سست شدن نهاد خانواده، افزایش میزان طلاق، فساد و ابتذال، تضاد بین نسل ها، ناامنی و ایجاد عدم اعتماد در مردم)
- - در ابعاد **سیاسی** (ناسیونالیسم، سکولاریسم، بوروکراسی زاید و میلیتاریسم)
- در ابعاد **فرهنگی** (نظام آموزشی وابسته، فراموشی ارزش های خودی، مسخ و اضمحلال هویت فرهنگی، ایجاد از خود بیگانگی در مردم از طریق سست کردن اعتقادات و ایمان مردم، بی ارزش ساختن ارزش های اخلاقی جامعه و ...)

- در پایان مقاله با توجه به بررسی های انجام شده در متن، راه حل هایی که از طریق آنها می توان تهاجم فرهنگی را به تبادل فرهنگی سوق داد، ارائه شده است.

مقدمه

• تهاجم فرهنگی غرب، بر خلاف آنچه در ظاهر ممکن است به نظر رسد، امر بدیع و نوظهوری نیست. پرداختن به ریشه ها و گام های نخستین این تهاجم مستلزم مبحثی مستقل و مفصل است که در مجال این تحلیل نمی گنجد. لیکن برای روشن تر شدن موضوع و جست و جویی عللی که امروزه در گرایش جوانان به این فرهنگ موثرند. پرداختن به آن حتی به صورت اجمالی و گذرا، اجتناب ناپذیر است.

ریشه ها و گام های
نخستین

• بررسی های بسیاری از این واقعیت حکایت می کند که اساس و پایه های تهاجم غرب در همه ابعاد و جوانب آن، از یک تفکر سلطه جویانه و انحصار طلبانه نشات گرفته است که در یک کلام، غرب را محور تمدن بشری و دیگران را جیره خواران آن تلقی می کند. در واقع «تهاجم فرهنگی» که امروزه به پشتیبانی تکنولوژی جدید به ویژه در بخش ارتباطات. جلوه گسترده و فریبنده ای به خود گرفته است. چهره دیگری از سلطه گری های امپریالیسم به شمار می رود که قبل از آن نیز (و هنوز هم) در چهره سلطه گری های نظامی، اقتصادی و سیاسی خود را به نمایش گذارده است.

سلطه گری های امپریالیسم

• امروزه شرایط داخلی کشورهای توسعه نیافته و همچنین روابط دگرگون شده بین المللی، مقتضی روش های جدیدی است که عمدتاً به شکل تهاجمات فرهنگی ظهور یافته است. در واقع امروزه دیگر، شیوه های نظامی، اقتصادی و سیاسی در حد شیوه های فرهنگی کارایی ندارند.

در حد شیوه های فرهنگی

• شیوه های تهاجمی که قادرند در صورت موفقیت به صورت بسیار زیرکانه ای را، سلطه سیاسی و اقتصادی و در صورت ضرورت حتی نظامی بیگانگان را هموار و هموارتر سازند. تاریخ نیز به ما نشان می دهد که از دو قرن پیش با رشد عقلانی بر اساس معیارهای عینی در بشر، استکبار به جای حمله بر جان و خاک سایر ملل، حمله خود را بر هنگ آنان متمرکز کرده است و مهم ترنی عامل و سلاح برای نفوذ در روح و حیات فکری و بمدا تصمیم گیری آحاد مردم مستضعف همان عناصر روانی و فکری است.

از دو قرن
پیش

• تاکنون نیز از این طریق به نتایجی به مراتب بهتر و قابل اعتماد تر و منافی بیشتر از حمله بر جان و خاک آنان دست یازیده اند. در این مقاله سعی شده است تا ضمن تعریف جامعی از تهاجم فرهنگی، به بررسی ابعاد و عناصر تهاجم فرهنگی، ابزار و شیوه ها، گونه ها و تحلیل تبعات و نتایج آن پرداخته شود و در آخر با جمع بندی تحلیل های به عمل آمده راه حل هایی ارائه گردد.

۱- ابزار و شیوه ها

۲- گونه ها

۳- تحلیل تبعات و نتایج آن

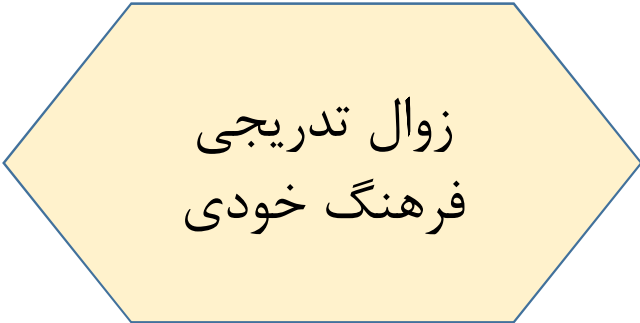
تهاجم فرهنگی چیست؟

- ایجاد یک حالت بحرانی، **عدم تعادل، اغتشاش و اختلال** در یک سیستم را که عناصر آن را آداب و رسوم، اخلاقیات عرف، سبک زندگی، زبان، ادبیات جنبه های شناختی، ارزش ها و هنجارها تشکیل می دهد. تهاجم فرهنگی گویند. در اینجا، بحران به وضعیتی اطلاق می شود که در آن فرهنگ دچار بی نظمی شده، در معرض خطر از هم پاشیدگی قرار گیرد. منظور از هم پاشیدگی سیستم فرهنگی، از بین رفتن ارتباط مناسب بین اجزای سیستم و بین اجزا با شرایط و نیز نهایتاً اضمحلال هویت فرهنگی جامعه است. این امر خود متضمن سست شدن «**عناصر ارزشی**» به عنوان هسته اصلی و سامان ده هویت فرهنگی است.

- تهاجم فرهنگی بدان سبب بحرانی خوانده می شود که حجم اطلاعات جدید وارد شده در سیستم فرهنگی به حدی است که علاوه بر ایجاد اضمحلال، از طریق ایجاد تراکم فرهنگی در عناصر فرهنگی نوظهور، موجب زوال تدریجی فرهنگ خودی می شود. زیرا تناسب بین عناصر جدید و قدیم را به شدت به هم می زند.



تراکم فرهنگی



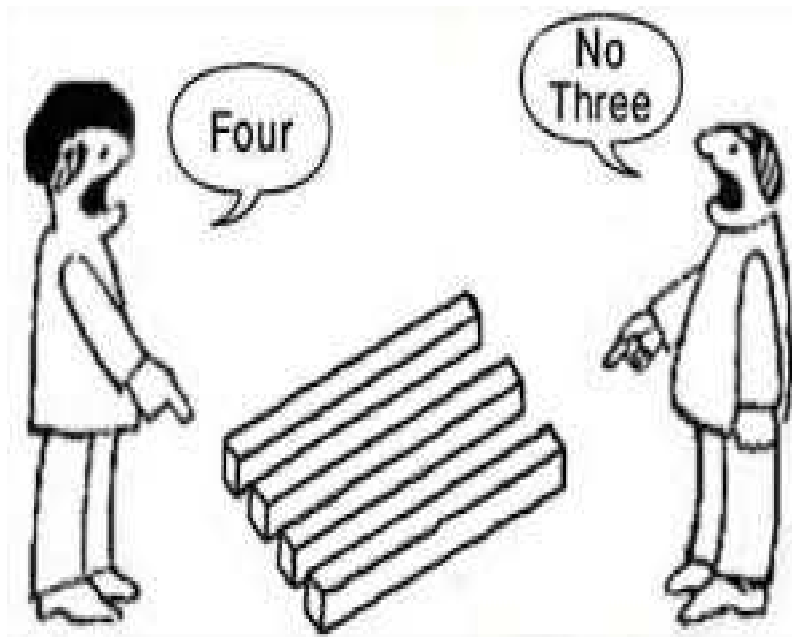
زوال تدریجی
فرهنگ خودی

- «تهاجم فرهنگی (Cultural Invasion) در نتایج و برون داد های (Output) سیستم تغییر ایجاد می کند، به صورتی که بحران منجر به تغییر در رفتارها، اندیشه ها، ارزش هاف تعاملات و به طور کلی الگوهای قبلی و سنتی می شود». (۱) به نظر می رسد که وجود مجموع ناتوانی ها، عدم کفایت ، ساختار نامناسب ، ناساگاری میان پاره سیستم ها در محیط فرهنگی و در کل نظام اجتماعی آن سبب می شود که پتانسیل فرهنگی جامعه دچار ضعف و تفرقه گردد و مجموعه این عوامل در سیستم فرهنگی باعث تهاجم فرهنگی می شود. تهاجم فرهنگی را از ابعاد گوناگونی می توان بررسی کرد:

**مجموع ناتوانی ها، عدم کفایت ، ساختار
نامناسب ، ناساگاری میان پاره سیستم ها**

- ۱- در قلمرو اجتماعی باعث سست شدن نهاد خانواده، افزایش میزان طلاق، دو قطبی شدن فرهنگ، فساد و ابتذال، تضاد بین نسل ها، نا امنی، ایجاد عدم اعتماد در مردم و ... می شود.
- ۲- در ابعاد سیاسی باعث تقویت ناسیوالیسم، سکولاریسم و میلیتاریسم می شود
- ۳- در ابعاد فرهنگی باعث به وجود آمدن نظام آموزشی وابسته، فراموش شدن ارزش های خودی، سنخ فرهنگی، اضمحلال هویت فرهنگی، **از خود بیگانگی** (Alienation) سست شدن اعتقادات و ایمان مردم، تحقیر و تحریف تاریخ، تغییر خط و زبان، **تحمیل فرهنگ دلخواه** به شکل فعالیت های زیر بنایی و برنامه ریزی می گردد.

ابعاد و عناصر تهاجم فرهنگی



- در مورد تهاجم فرهنگی و عناصر آن مخصوصاً در سال های اخیر تحقیقات بسیاری صورت گرفته که هر یک از **زاویه ای** به این مقوله مهم پرداخته اند، آنچه به عنوان نکات مشترک، قابل تاکید به نظر می رسد به این شرح است:

- الف- اعمال روش هایی در جهت ایجاد احساس حقارت بر میل شدید به گریز از خویش
- ب) تحقیر عناصر ارزشی و اعتقادی و باورهای دیرینه مردم به نام مبارزه با تحجر و تبلیغ و تبشیر تمدن و زندگی بهتر
- ج) تحقق از خودبیگانگی در فکر بینش مردم و در نتیجه گرایش شتاب الود آنان به تشبه به بیگانه

- این نکات مشترک در واقع **زنجیره اتصال تحلیل های مربوط** به روند تهاجم فرهنگی به شمار می رود در این مورد به ذکر نمونه هایی از این تحلیل ها می پردازیم.



- در مقاله ای تحت عنوان «تحلیلی مقدماتی بر تهاجم فرهنگی» مراحل مختلف این تهاجم به خصوص در ممالک اسلامی بدین صورت تقسیم بندی شده است:
- ۱- القای فرهنگ بیگانه: در اجتماعی که ارزش های فرهنگی آن فراموش شد: مفاخر فرهنگی به عنوان الگو اسوه مورد توجه قرار نگرفت. باورها و ارزش های دینی سست باشد. ویژگی های استقلال فرهنگی مانند دین، زبان و خط از بین رفت یا تحقیر شد. زمینه برای پذیرش ارزش ها، و الگوهای دیگران آماده می شود. در چنین جامعه ای به راحتی می توان فرهنگ بیگانه را ترویج کرد.
- ۲- تثبیت فرهنگ بیگانه: به کار گماردن افراد وابسته، ایجاد نهادها و تاسیسات مختلف بین المللی و در راس آنها ایجاد دولت های وابسته، از کارهایی است که در این مرحله انجام می شود. (۲)

- در مقاله دیگری تحت عنوان «تهاجم فرهنگی امپریالیسم و روش های آن» ابعاد و عناصر تهاجم فرهنگی این چنین طرح شده است. «امپریالیسم فرهنگی با شناخت ابعاد گوناگون ملت ها آغاز و سپس به نابودساز هویت فرهنگی می پردازد. در این میان امپریالیسم فرهنگی با بهره گیری از یک سلسله عوامل روانی، هجمه خود را شدت می بخشد، بدین ترتیب که با تلقین چهره ای ساختگی از عقب ماندگی، پستی نژادی، توحش و کند ذهنی این ملت ها، برتری اندیشمندی و خلاقیت امپریالیست ها را به این جوامع القا می کند.

• به گونه ای که در آنها احساس نیاز به تقلید و پیروی از رهنمودها و الگوهای سفارشی امپریالیستی پدید بیاید و نفوذ، سلطه، تجاوز و غارت منابع خود را از سوی امپریالیست ها را نه تنها تجاوز به حقوق خود تلقی نکنند، بلکه با خشنودی و رضایت آنها را پذیرفته و تقلید و پیروی از آنان را آرزوی خود بدانند. نکته قابل ذکر این است که این تلقیات و القائات بعضا دامن جامعه شان را به دست کشورهای امپریالیست و برنامه های آنها می سپارند» (۳)



- اصولا امیریالیست ها در تحقق اهداف خود یعنی نفوذ و سلطه فرهنگی خود در سه بعد فعالیت می کنند: «**بعد** **تعلیمی**» بعد ارتباطی- خبری و بعد تبلیغی، برای هر یک از این ابعاد روش و ابزاری را به کار می گیرند که می تواند قابل انعطاف نیز باشد» (۴) در بعد تعلیمی، شیوه آموزش و پرورش جهانی، در بعد ارتباطی و خبری، رسانه های گروهی و در بعد تبلیغاتی، فنون تبلیغاتی را به کار می گیرند.

ابزار و شیوه های تهاجم فرهنگی

- بهره گیری گسترده از سیاست ارتباطی و ابزارهای رسانه ای الکترونیکی به خصوص در دهه های اخیر، از شیوه های نوین امپریالیسم فرهنگی در رابطه با کشورهای توسعه نیافته بوده است. در این خصوص به بخش هایی از یک بررسی موردی (Case study) در خصوص سیاست های ارتباطی امپریالیسم در مورد ایران می پردازیم که دقیقا روشنگر بسیاری از حقایق خواهد بود. حتی نظر اجمالی به رسانه های جمعی ایران در اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی گویای این حقیقت است که مطالب پخش شده در رادیو و تلویزیون با مطالب چاپ شده در نشریات، در پی حفظ و فرهنگ ملی با افزایش سطح آموزش عمومی نبودند، بلکه این رسانه ها جلوه های فریبنده فرهنگ غربی را بیشتر کرده و به نیازها و تقاضای اساسی جامعه ایران کمتر توجه نشان می دادند. نقش ان رسانه ها، غالبا سرگرم کردن مخاطبان خود بود.

- در مطالعه بین‌المللی که در سال ۱۹۷۵ صورت گرفت. این نتیجه به دست آمد که از مجموع ۱۱ کشور مطالعه شده سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران از نظر برنامه‌های وارداتی به کشورهای دیگر پیشی گرفته است. این برنامه‌ها، که فیلم‌های غربی را نیز در برداشت. ۷۸ درصد محتوای برنامه‌های تلویزیونی را در بر می‌گرفت و کمترین درصد پخش برنامه‌های جدی، مربوط به ایران بود.

- به نظر می‌رسد که سیاست جاری حکومت، توجهی به تبعات فرهنگی وارد کردن برنامه‌ها غربی که شیوه‌های زندگی غربی، بدآموزی‌های جنسی، ارزش‌های مصرفی و موارد دیگر را اشاعه می‌داد، ندارد. توسعه سریع رادیو و تلویزیون، از عناصر اصلی طرح توسعه جاه طلبانه سیستم حکومتی قبل بود. زیرا می‌خواست که از رسانه‌های ارتباطی برای تغییر جامعه سنتی ایران به جامعه مدرن (Modern) استفاده کند. ولی در این راه توفیقی نیافت، زیرا فرایند نوسازی به اندازه کافی پیش نرفته بود.



- در حقیقت راهبرد حاکمان آن زمان را می توان «**نوساز**» **عاریتی** دانست که همان تعایل برای شیوه ظاهری نوگرایی بدون ایجاد تغییرات عمیق ساختاری لازم برای توسعه است. نتیجه دنباله روی از این مدل، آوردن غرب به اتاق نشیمن ایرانیان بود. بر مبنای این تفکر، ایرانیان اجازه می یافتند خود را با غربی ها مقایسه کنند و این مساله ناکامی های موجود اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را تشدید می کرد

• در این مدل، توجهی به توسعه سیاسی یا خواسته های غیر مادی مثل برابری، عدالت، آزادی، هویت و حتی احساس رضایت نمی شد. به نظر می رسد که فرایند ارتباطات و توسعه در چارچوب جامعه ایران بر ترویج این شعار مبتنی بوده است که الگوها و گرایش های زندگی غربی، تنها الگوهای زندگی و گرایش های ارزشمندی که ایرانیان باید از آنها تقلید کنند. این الگوها و راهبرد های به عاریت گرفته شده اساس هویت فرهنگی و ارزش های سنتی جامعه ایران را از بین برد.

خواسته های غیر مادی مثل

۱- برابری

۲- عدالت ۳- آزادی ۴- هویت ۵- احساس رضایت

- جابجایی سریع از خود کفایی در مقیاس خرد با تولید کالا برای بازار، غفلت از کانال های مشارکت سیاسی، جلوگیری از آزادی بیان و توسعه درون زای فرهنگی، همه و همه هماهنگی و ثبات زندگی فرهنگی را با نقصان فرایند نوسازی مدل ارتباطات و توسعه آن را تجربه کرد و شکست خورد اگر چه ارتباطات می تواند برای یافتن هنجارهای جدید و هماهنگ در یک دوره گذار به مردم یاری رساند، اما در مورد ایران تاثیر آن کاملا برعکس بود.

یافتن هنجارهای جدید

- با وقوع انقلاب اسلامی سال ۱۳۷۵ که دیگر امکان یورش مستقیم برنامه های غربی تلویزیونی به شبکه رسانه های جمعی ایران وجود نداشت. امپریالیسم برنامه های غربی تلویزیونی به شبکه رسانه های جمعی ایران وجود نداشت. امپریالیسم فرهنگی ترفندها و شیوه های دیگری را به کار گرفت که از عمده ترین آنها، بهره گیری گسترده از وسایل الکترونیکی جدید در سال های پس از انقلاب بود.

• کنکاش در علل و زمینه های شیوع و رواج گسترده استفاده از این برنامه های خارج از شبکه رسمی و ارتباطی یقیناً مستلزم بررسی مفصل و مستقلى است . اما از اشاره بدان نیز گریزی نیست به نظر می رسد عدم کارایی و جذابیت رسانه های جمعی داخلی به لحاظ انعطاف ناپذیری و مستقیم بودن پیام های آن و از طرف دیگر سست شدن تدریجی میانی ارزشی به خصوص در نسل جوان (که علل متعددی می توان برای آن ذکر کرد) از علل زمینه ساز این گرایش به شمار می رود.

**انعطاف ناپذیری و مستقیم
بودن پیام های آن**

- در این خصوص به بخش هایی از یک بررسی موردی تحت عنوان «**بررسی وضع آثار و محصولات فرهنگی مبتذل در شهر تهران**» اشاره می گردد، آثار و محصولات صوتی و تصویری در کشور، به صورت گسترده اشاعه پیدا کرده است بخش عمده ای از این محصولات که به طور غیر قانونی در دسترس قرار می گیرد، دارای محتوای عمدتاً غیر اخلاقی و مبتذل بوده و تأثیرات مخربی بر فرهنگ عمومی جامعه و نیز بر اقشار نوجوان و جوان کشور دارد.

یک بررسی موردی

- این ابزارها به منزله مهم ترین ابزارهای سلطه و تحمیل فرهنگی غرب به کار می رود. ابزارهایی که عموماً دارای پیام های مفسده انگیز بوده و نموده های بارز ابتذال و انحراف محسوب می شوند. فیلم های ویدئویی نوارها صوتی، نرم افزارها و دیسک های کامپیوتری، عکس، پوستر، مجله و آثار مشابه تصویری چون خالکوبی روی بدن، از نمونه های این ابزارها به شمار می رود. شرکت ها و موسسات بزرگی همه روزه به تولید برنامه های فرهنگی در قالب این آثار مشغول اند و از این طریق سیل این محصولات به جامعه سرازیر می شود.

انواع گونه های تهاجم فرهنگی

- سرآغاز دوران نفوذ و تهاجم فرهنگی غرب به ایران را دوره سلطنت قاجاریان می دانند، با وجود صحت این واقعیت تاریخی که در این دوران ذلت بار از تاریخ ایران شدت بر سرعت نفوذ بیگانگان به تار و پود حیات اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی کشور شتاب می گیرد، لیکن نگاهی دورتر و وسیع تر به تاریخ، به خصوص در رابطه با تاریخ تمدن اسلامی، حاکی از آن است که این تهاجم از مدت ها قبل عملاً صورت می گرفته است.

دوره سلطنت قاجاریان



- برای اثبات این مدعا می توان دلایل و اسناد بسیاری از تاریخ ایران را به عنوان شاهد ذکر کرد. لیکن در اینجا برای پرهیز از تطویل، تنها به گوشه هایی از گونه های ذکر شده در کتاب «**نقد توطئه آیات شیطانی**» اکتفا می کنیم. رویارویی غرب و شرق بالاخص تقابل غرب با اسلام، ریشه ای کهن دارد. بیش از اسلام، تضاد شرق و غرب بیشتر حالت توجه به منافع اقتصادی را داشت.

توجه به منافع اقتصادی

● به عبارت دیگر، غرب باور نداشت که عقیده و یا اندیشه هایی از شرق تمدن و استیلای او را تهدید کند. رویارویی و کشاکش ها نیز به گونه ای بود که در دوره پیش از اسلام هیچ طرف وجه غالب و سلطه قطعی را بر طرف دیگر نداشت رقابت ها و جنگ ها نوعی داد و ستد بر ارتباط تمدن ها را به همراه داشت. این داد و ستد و نبرد جنگ قدرت در دوره اسلامی عمق و گستره بیشتری یافت. اسلام به عنوان یک اعتقاد حرکت بخش و امید آفرین، مسلمانان را تا قلب اروپا و آفریقا کشانید. سه سده نخست اسلامی همراه و همزمان با گسترش نفوذ اسلام تا عمق اروپا و آفریقا و شرق دور بود.



داد و ستد

- در مرحله دوم، غرب به تهاجم متقابل نسبت به شرق دست یازید . روحانیون آیین مسیحیت، با بسیج سراسری توده های مردمی سراسر اروپا و به طرف شرق به سوی بیت المقدس به حرکت درآمدند. حرکت آنان آنچنان گسترده بود که گویی همه اروپا و غرب به طرف شرق به حرکت درآمده است.



- ایمان مذهبی و جبهه غالب، تهاجم غرب بود. به همین لحاظ جنگ های غرب علیه اسلام را جنگ های صلیبی خواندند. نقطه اوج مرحله سوم، فتح قسطنطنیه در سال ۱۴۳۵ توسط سلطمان محمد فاتح بود. در این مرحله که نوعی فروپاشی شرق از درون آغاز شده بود و غرب رنسانس و انقلاب صنعتی را پشت سر گذاشت. نظام سیاسی و اجتماعی غرب نیز به سرعت شکل می گرفت و وسیله پیشرفت و ترقی را فراهم می کرد. پیمان های متنوع و متعدد در غرب در میان کشورها امضا شد.

فتح قسطنطنیه توسط عثمانی

- مرحله چهارم دوره تهاجم همه جانبه غرب است. غرب مسلح به صنعت ، وسایل جدید جنگی و سازماندهی نوین سیاسی و اجتماعی در این مرحله غربی ها با تلاش وقفه ناپذیری برای شناخت شرق، فرهنگ تاریخ تمدن و آداب و رسوم آن، تهاجم خود را سازمان دادند. در این مرحله غرب از ابعاد و جهات گوناگون به سوی شرق یورش آورد.

• از یک سو به لحاظ جغرافیایی و فیزیکی شرق را تکه پاره کرد و اجازه نداد که شرق به صورت یک سازمان واحد و یا لاقل یا بهره‌وری از کانون‌های قدرت فراگیر باقی بماند و از طرف دیگر با ترویج ناسیونالیسم، ملت‌های ملسمان را از یکدیگر جدا کرد و دیوارهای جدایی علاوه بر مرزهای جغرافیایی و مرزهای نژادی، مرزهای اعتقادی نیز پیدا کردند. غرب به ابداع فرقه‌ها و نحله‌ها پرداخت: فرقه‌ها در واقع نوعی برش عمقی جامعه‌اند که لزوماً امکان وحدت ملی را از آن جامعه می‌گیرند. نکته {قابل توجه} این‌که، این فرقه‌ها که در آغاز شکل و محتوای اعتقادی داشته‌اند، به سرعت هویت سیاسی خود را نشان دادند، مانند وهابی در عربستان سعودی، مزابتی‌ها در الجزایر، بهایی‌ها در ایران، قادیانی‌ها در شبه قاره و ...

- مرحله پنجم در برابر تهاجم غرب ملت های مسلمان و متفکران اسلامی **همگی منفعل و گریزان نبودند**. در حساس ترین روزگار سلطه غرب شاهد حرکت ملت ها و حضور متفکرانی بوده ایم که رو در روی غرب ایستاده اند و نهراسیده اند، همتی بلند و اراده ای محکم داشته اند و یم دانسته اند که شرق و ملت های مسلمانان در صورت تکیه بر خویش می توانند بر پای خود بایستند و در صورت احیای فکر دینی و بودن اسلام از چارچوب خشک و منجمد اصطلاحات بهمیان قلب و زندگی مردم، بدون تردید زندگی ملت ها دگرگون می شود {۵}



مغولها

- علاوه بر این، باید اذعان داشت که تهاجم گسترده غرب علیه شرق تنها برخاسته از حس انتقام جویی صرف در مقابل شکست های پی در پی قرون پیشین نبود، بکه ضرورتی بود که پاسخ گویی به طمع کاری های در حال گسترش غرب ان را ایجاب می کرد. غربی که پس از رنسانس به طور شتاب آلودی به سوی صنعتی شدن می تاخت. جست و جوی مواد اولیه از یک طرف و بازارهای وسیع جهت هضم تولیدات انبوه مازاد بر مصرف ممالک غرب از طرف دیگر، ضرورت رویارویی شرق و غرب را در شکل و جلوه ای دیگر به دنبال آورده بود : «شرق اسلامی هنوز آثار و تبعات دو ضربه هولناک هجوم مغول ها از شرق و صلیبی ها از مغرب زمین را بر پیکر خود لمس می کرد.

• همین دو ضربه کاری بود که سرنوشت کشورهای اسلامی را رقم زد و شد آنچه شد. طبیعی ترین انتخاب برای غرب، نزدیک ترین منطقه به آنان، یعنی جهان اسلام بود ذخایر غنی و بازارهای مصرف در این خطه از جهات، انتظار آنان را می کشیدند. لذا کشورهای اسلامی یکی پس از دیگری به استعمار کشیده شدند و تجار شرکت ها و صنایع اروپایی رشد کردند و اقتدار و رونق بازارشان فزونی یافت. حال این وضع می بایست برای همیشه تثبیت و تضمین می شد متفکران و اندیشمندان غربی به چاره اندیشی پرداختند و چاره را در تهاجم فرهنگی یافتند، زیرا می دانستند با اشتغال مستقیم و توسل به نیروی نظامی نمی توان ملت ها را برای مدت طولانی غارت کرد» {۶}

- چنان که قبلا نیز اشاره شده ، تهاجم فرهنگی غرب، خود مستلزم به کارگیری ابزارها و روش های خاص و بهره برداری از راه های نفوذی ویژه ای بود که از دوران سلطنت سیاه قاجاریان آغاز شده و در دوره پهلوی به اوج خود رسید. در تحلیل های ارائه شده در مورد انواع و گونه های تهاجم فرهنگی غرب به ایران عمدتاً بر دو نوع آن تاکید بسیار شده است.
- اول ایجاد و گسترش مدارس به شیوه غربی و تدریس دروس با محتوای غربی و بیگانه با فرهنگ خودی همین که فرهنگ اروپا از راه های گوناگون به کشور نفوذ کرد و مدارس به سبک اروپا برگردید

• از آن تاریخ فرهنگ ایران به فرهنگ قدیم و فرهنگ جدید تقسیم شد و بین دانشجویان اختلاف پدید آمد. «متجددین» به تشکیلات طلاب به چشم حقارت می نگریستند و آنها را کهنه پرست یم دانستند و طلاب نیز به فرهنگ نو به چشم تحفه بیگانه و اجنبی نگاه می کردند و متجددین را بین دین و لابلای معرفی می کردند. این بود که این دو فرهنگ از هم فاصله گرفتند و هر دو به وضع نامطلوبی گرفتار شدند.



● تاسیس دو مدرسه جدید به سبک اروپایی به سبک اروپایی به وسیله کشیشان آمریکایی و فرانسوی در زمان محمد شاه، تاسیس دارالفنون در تبریز به وسیله فرانسویان و تاسیس چندین مدرسه دخترانه و پسرانه از طرف اروپاییان در شهرهای مختلف ایران، شواهد عینی این بعد از تهاجم فرهنگی به شمار می آیند.

دارالفنون

- دوم، تحصیل تعدادی از جوانان ایرانی در غرب و آشنایی نزدیک آنان با مظاهر تمدن اروپایی و مقایسه این پیشرفت ها با عقب ماندگی های گسترده در کشور خویش و در نهایت خرد شمردن فرهنگ خودی و ترویج و تبلیغ فرهنگ غربی که عمدتاً از طریق مطبوعات، کتب و بعدها به وسیله رادیو و تلویزیون، انجام می پذیرفت.

• به طور صریحتر، این جوانان قشر روشنفکر یا در واقع **شبه روشنفکرانی** را تشکیل می دادند که به طرق مختلف به ترویج فرهنگ بیگانه می پرداختند. در این خصوص به ذکر بخش هایی از یک گزارش تحقیقی تحت عنوان «**تهاجم فرهنگی و جریان روشنفکری**» اکتفا می گردد. در این خصوص اشاره به تعریف واژه روشنفکری ضروری است. «روشنفکر کارش این است که تضادهایی را که در متن جامعه وجود دارد، ناهماهنگی ها و ناهنجاریهایی را که در متن جامعه را و در متن واقعیت زندگی انسان ها موجود است. بردارد و توی احساس و آگاهی جامعه وارد کند.

- در خصوص آغاز جریان روشنفکری و به تعبیری غرب گرایی، چنین امد است و گسیل و اعزام ولین و دومین گروه دانشجویی جهت تحصیل به اروپا و پرورده شدن آنها در زیر دست اساتید غربی با تفکرات و اندیشه های غربی به مثابه بذری تلقی می شد که صرف نظر از نیت خیری که می توانست همراه این دانشجویان وارد کشور شود، در خاک این سرزمین می توانست میوه تلخ درماندگی و وابستگی به غرب را به بار آورد. بی خبر بودن این گروه از دانشجویان اعزامی به فرنگ با مبانی تفکرات غربی، باعث شد که این ها اندیشه های غربی را برای خود و کشور ایران به مثابه آیه اسمانی و تنها راه خلاصی و نجات کشور از این فقر و درماندگی بدانند.



امیر کبیر

• امیر کبیر دارالفنون را در سال ۱۸۵۲ میلادی برای تربیت کادر افسران ارتش تاسیس کرد. بدین سال نخستین گام را در جهت ورود سیستم آموزش غربی به ایران برداشت، وی شخصا بر جریان ورود سیستم آموزشی از غرب نظارت داشت و چون انگلیس و روش بر سر ایران شدیداً درگیر بودند،

• او به فرانسه و اتریش روی آورد و مستشاران و استادان فرانسوی و اتریشی را به ایران به دعوت کرد. «دارالفنون به کانونی برای ورود فرهنگ غربی به ایران گردید. در این مدرسه استادان اروپایی به زبان های غربی، به ویژه به زبان فرانسوی تدریس می کردند. کتب درسی عمدتاً وارد شده از غرب و برنامه درسی نیز تقلیدی از مدارس فرانسه بود و فضا حاکم بر این موسسات آموزشی نیز یک فضای غربی بود» {۱۰}

• از آن جا که بعضی از صاحب نظران تهاجم فرهنگی، نقطه اوج تکوین غرب گرایی در ایران را اصلاحات وسیع امیرکبیر به ویژه در مورد اعزام دانشجو به خارج و ایجاد مدرسه ای به سبک غربی می دانند، به نظر می رسد، دادن تعریفی درست از مفاهیم به کار رفته، ضرورت دارد مثلا منظور از غرب گرایی و غرب زدگی چیست؟



• آیا بهره‌گیری **خردمندانه و عقلانی** (Rational) از دستاوردهای عظیم علمی، فنی و تکنولوژیکی غرب حتی در راستای تحقق استقلال کشور و نجات آن از وابستگی‌های متعدد به بیگانگان نیز، غربگرایی یا غرب‌زدگی است؟ آیا این‌گونه تحلیل‌ها نکات بسیار ظریف و در عین حال خطرناکی را در بطن خویش دارند که نهایتاً به نیروی «گریز از خویش» نسل جوان می‌افزایند و این نتیجه‌گیری نهایی را تداعی می‌کنند که حتی اصلاح‌طلبانی آزاده و وطن‌دوست با تن دادن به سازش با غرب، جاده صاف کن غرب در تاریخ بوده‌اند؟!

تبعات تهاجم فرهنگی و راه های مبارزه با آن

- بیشتر برنامه ریزی های امپریالیسم فرهنگی به ویژه در دهه های اخیر، بر روی «اوقات فراغت» (Leisure time) متمرکز بوده است دقیقا همان بخشی از زندگی انسان که سالیان سال از یدد مسئولن کشور دور مانده و اهمیت آن با دوراندیشی تمام از آن سود جسته و به سرمایه گذاری های کلان در آن پرداخته است.

- شبکه های ماهواره ای تلویزیون، به طور شبانه روز، اقشار مختلف را در معرض بمباران فرهنگی- هنری قرار داده اند و گروه های مختلف موسیقی غربی، الگوهای مختلفی از رفتارها و خرده فرهنگ های نابهنجار را در سطح جامعه رواج می دهند ویدیو و تلویزیون های قابل حمل، کاست های سمعی، دیسک های لیزری با کیفیت بالا از لحاظ صدا و تصویر، عکس ها و پوسترهای مبتذل، مجله های متنوع غیر اخلاقی نرم افزار های کامپیوتری بازی های تلویزیونی و ...از جمله ابزارهایی است که برای تبلیغ فرهنگ غرب به خدمت گرفته شده اند و مخاطبان اصلی آن جوانان و نوجوانان جامعه اند، اقشاری که با توجه به فرایند هویت یابی و بروز بحران هویت، در معرض شدید ترین آسیب ها قرار دارند و تولیدات فرهنگی یاد شده نیز بر اساس نیازها و توجه به نقاط ضعف آنان، طراحی و تولید شده اند.

- دادن آگاهی های کافی به جوانان درباره نقش ها و اهداف شوم امپریالیست های فرهنگی ضرورت تام دارد. دست اندرکاران جامعه باید در دختران و پسران جوان بینش لازم را به وجود آورده، آنان را از توطئه های مستمر فرهنگی آگاه سازند که به اشکال مختلف و با شیوه های متناسب با زمان، هویت دینی و ملی و ارزش های انسانی آنان را مورد تهاجم قرار می دهند و در صدد به انحراف کشاندن آنان هستند. ادامه زندگی و حیات اجتماعی ما در گرو مبارزه با این پدیده شوم است.

- ما باید مبارزه با تهاجم فرهنگی را در جامعه به صورت یک سیاست دایمی و مدون درآوردیم و در صدد برنامه های توسعه اقتصادی- اجتماعی خود قرار دهیم. برای پیروزی در مبارزه با تهاجم فرهنگی باید از نیروی بی پایان مردم استفاده کرد. برای تحقق این امر، شرایط اصلی پس از بیداری فرهنگی و شناخت چهره واقعی دشمن، اعتماد کردن به مردم در اجرای یک بسیج فرهنگ است (Cultural Mobilization)



- دادن آگاهی‌ها از طریق دستگاه‌های تبلیغی باید به شیوه‌های متناسب و مطلوب و در قالب‌هایی که ارزش‌ها را تبیین می‌کنند، عملی شود. تعیین با استفاده از شیوه‌های هنری و در قالب مقاله، داستان، نمایشنامه و فیلم و سریال، تا جوانان را از آنچه علیه آنان در شرف تکوین است آگاه سازد. جوانان به دلیل داشتن عواطف و احساسات خاص دوره جوانی در جست و جوی الگوهای آرمانی خود هستند.

• باید به این خواتسته و تمایل جوانان توجه کافی مبذول شود. «نکته قابل توجه این است که بین نهاد ها و ارگان های مسئول و دستگاه ها و رسانه های تبلیغی در ارایه الگو به جوانان نباید تشتت آرا و اختلاف وجود داشته باشد. نیاز جوانان به تفریحات سالم بر کسی پوشیده نیست و نقش خاص تفریحات گوناگون در سالم سازی جامعه از تمایلات ناسالم و گرایش های خلاف شرع و عقل مورد اذعان همگان است. تفریحات سالم نیاز طبیعی همه اقشار ملت به ویژه نسل جوان می باشد. مسئولان امر باید گسترش مراکز تفریحی برای جوانان را به عنوان یکی از ضروریات بزرگ اجتماعی مورد توجه کافی قرار دهند و در رفع نیازهای فراگیر تلاش و فعالیت کنند» (۱۱)



shutterstock.com - 2521689939

- منشا اصلی فرهنگ گریزی و مشروعیت گریزی جوانان و همچنین منشا اصلی عدم توفیق برنامه های انقلاب فرهنگی و مبارزه با فرهنگ بیگانه اصولاً امری سیاسی و ناشی از فقدان شرایط مساعد و باز اجتماعی است. عدم کارایی شیوه های رایج و فرهنگ سازی و پرورش اخلاقی با تزکیه در فضاهاى اجتماعى به ویژه مدارس و دانشگاه ها، دنباله رو و تابع شرایط اجتماعى است. «روش های رایج مبارزه با فرهنگ غربی یا فرهنگ مهاجم بیگانه، نه تنها عدم کارایی خود را ثابت کرده،

• بلکه از آن که توسل به تشویق های کودکانه توام با تظاهر، و بعضا با اجبار و اکراه و چه بسا با حربه تفویض یا سلب امکانات، توام با برتری جویی یا دستم کم احساس برتری و در نهایت از موضع اقتدار سیاسی اعمال می شود، منجر به ایجاد انزجار، معارضه، لجبازی و به طور واکنش ها و عکس العمل ها در جوانان و یا نوجوان شده است «(۱۲) برای نجات جوانان از افسردگی، انفعال، پوچی و جلوگیری از سقوط در هزاران دام گسترده باید «حقوق تضييع شده و اساسی سه گانه، یعنی امنیت و امید، حق شک و تردید و حق آزادی انتخاب را به آنان بازگردانند» (۱۳)

امنیت و امید، حق شک و تردید و حق آزادی انتخاب

- بدون تفویض این حقوق و به رسمیت شناختن و جاری کردن آن و دادن شخصیت و اعتبار به جوانان نمی توان نسبت به آینده امیدوار بود «با دادن مسئولیت به جوانان جهت رسیدن به درجه خودباوری و داشتن اعتماد به نفس (Self Esteem) اصلاح رسانه های گروهی، مخصوصا رسانه های تصویری، یا بازسازی کیفی مدارس و دانشگاه ها و غنی کردن بنیه علمی جوانان و همچنین با تامین عدالت اجتماعی و اقتصادی در جامعه می توان به این امید ها رسید» (۱۴)

به رسمیت شناختن

● جهت نیل به چنین هدفی باید چاره ای اندیشید، چاره ای که از یک سو ما را به شناخت عمیق تفکر مغرب زمین نزدیک کند و از سوی دیگر از شعارهایی که بر هیچ گونه پایه هستی شناختی، استوار نیستند، به دور باشد و این مسکن نخواهد بود مگر این که در محیطی آزاد که اندیشه بتواند در آن جولان کند. به سلاح تفکر انتقادی مجهز بشویم و تحمل خود را نسبت به انتقاد بیشتر کنیم.

• لازمه چنین امری بلوغ فکری است همراه با آن چه به عنوان سعه صدر از آن نام برده می شود و در تعالیم اسلامی، زمینه تحمل انتقادات و قابلیت انعطاف در برابر آن را فراهم می آورد. پس به افکار و عقاید خودی و فرصت ظهور بدهیم. این مساله شاید در کوتاه مدت موجب پریشان فکری و ناآرامی اندیشه ها و افکار گردد، اما در درازمدت موجب پدید آمدن نوعی بلوغ فکری و قدرت استنباط و تجزیه و تحلیل در کل جامعه خواهد شد که نه تنها راه مقابله با تهاجم فرهنگی و فکری است، بلکه سدی است که در مقابل **هجوم سیل آسای** اندیشه ها و نحله ها و دیدگاه های مختلف و عجیب و غریب می ایستد. ایدئولوژی و فرهنگ می تواند در عرصه روزگار باقی بماند که بتواند سوالات و ابهامات مطرح شده را پاسخ دهد.

- با جمع بندی راه حل های ارائه شده که تنها به نمونه های معدودی از آن پرداخته شد، می توان عنصر اصلی و محوری این تحلیل ها را به طور کلی در یک بند خلاصه نمود: «ضرورت ایجاد احساس هویت در نسل جوان و بازگرداندن آنان به فرهنگ خودی».



شریعتی

• به عبارت صریحتر، چارچه جویی برای بحران هویت در جوانان و مبارزه با از خود بیگانگی و احساس حقارت به وجود آمده در آنان، اصلی ترین راه حلی است که در راستای مبارزه با «**تهاجم فرهنگی**» باید مورد عنایت قرار گیرد. **راه حل بسیار مهم و اساسی که «بازگشت به خویشتن» نام گرفته** و در کتابی به همین نام از مرحوم دکتر علی شریعتی بدان پرداخته شده است. این مهمترین راه حلی است که از طرف روشنفکران بسیاری از ممالک توسعه یافته و زیر سلطه امپریالیسم فرهنگی در طول چند دهه اخیر به عنوان آخرین تجربه فرهنگی ضد استعماری در جهان مطرح شده است. این خویشتن تا آنجا که به کشور و تاریخ گذشته و ش رایت کنونی آن مربوط می گردد.

- در چارچوب و ویژگی های خاصی قابل توصیف می باشد. «تکیه ما به همین خویشتم فرهنگی ایرانی مان است و بازگشت به همین خویشتن را باید شعار خود کنیم، به خاطر این که این تنها خویشتنی است که از همه به ما نزدیکتر است و تنها فرهنگ و تمدنی است که الان زنده است»
(۱۷)